**نهی از ظلم به حیوانات**

**حضرت بهاءالله:**

1 - " لا تحملوا على الحيوان ما يعجز عن حمله إنّا نهيناكم عن ذلك نهيًا عظيمًا في الكتاب كونوا مظاهر العدل والإنصاف بين السّموات والأرضين " (كتاب اقدس – بند 187)

2 - " رعايت حيوان را منظور نمايد " (كتاب ايقان مستطاب)

3 - " بضُرّ حيوان راضی نشويد تا چه رسد بانسان " (امر و خلق، جلد 3، ص 196)



**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " احبّای الهی بايد نه تنها بانسان رأفت و رحمت داشته باشند بلکه بايد بجميع ذيروح نهايت مهربانی نمايند زيرا حيوان با انسان در احساسات جسمانی و روح حيوانی مشترک است ولی انسان ملتفت اين حقيقت نيست گمان مينمايد که احساس ، حصر د رانسان است لهذا ظلم بحيوان ميکند امّا بحقيقت چه فرقی در ميانِ احساسات جسمانی . احساس واحد است خواه اذيّت بانسان کنی و خواه اذيّت بحيوان ابداً فرقی ندارد بلکه اذيّت بحيوان ضررش بيشتر است زيرا انسان زبان دارد شکوه نمايد آه و ناله کند و اگر صدمه ای باو رسد بحکومت مراجعت کند حکومت دفع تعدّی کند ولی حيوان بيچاره زبان بسته است نه شکوه تواند و نه بشکايت بحکومت مقتدر است . اگر هزار جفا از انسانی ببيند نه لساناً مدافعه تواند و نه عدالةً دادخواهی کند. پس بايد ملاحظه حيوان را بسيار داشت و بيشتر از انسان رحم نمود . اطفال را از صغر سنّ نوعی تربيت نمائيد که بينهايت بحيوان رؤوف و مهربان باشند . اگر حيوانی مريض است در علاج او کوشند. اگر گرسنه است اطعام نمايند. اگر تشنه است سيراب کنند . اگر خسته است در راحتش بکوشند . انسان اکثر گنهکارند و حيوان بيگناه . البتّه بيگناهان را مرحمت بيشتر بايد کرد و مهربانی بيشتر بايد نمود مگر حيوانات مؤذيه را مثلِ گرگ خوانخوار مثلِ مار گزنده و ساير حيوانات مؤذيه . چه که رحم باينها ظلم بانسان و حيوانات ديگر است . مثلاً اگر گرگی را رأفت و مهربانی نمائی اين ظلم بگوسفند است يک گله گوسفند را از ميان بردارد. کلبِ عقور را اگر فرصت دهی هزار حيوان و انسان را سبب هلاک شود . پس رأفت بحيوان درنده ظلم بحيوانات مظلومه است . لهذا بايد چاره آنرا نمود ولکن بحيوانات مبارکه بايد بی نهايت مهربانی نمود. هرچه بيشتر بهتر و اين رأفت و مهربانی از اساس ملکوت الهی است . اين مسأله را بسيار منظور داريد وَ عَلَيْکُمُ البَهَاءُالْاَبْهَی ع ع "

(مکاتيب حضرت عبدالبهاء، جلد 3، ص 211)

2 - " ای دختر عزيز ملکوتی من حيوان نظير انسان در نزد اهل حق بسيار عزيز است لهذا انسان بايد بانسان و حيوان هر دو مهربان باشد و بقدر امکان در راحت و محافظت حيوان بکوشد امّا در تشريح حيوان چون منافع و فوائد طبّی حاصل ميشود که سبب استفاده جميع بشر ميگردد شايد از تشريح جرّاحی اکتشافاتی حصول يابد که سبب حيات هزار مليون از نفوس گردد هر چند اين عمل جرّاحی ضرر خصوصی است ولکن منفعت عمومی يعنی از برای عموم انسان مفيد است حتّی اين تشريح اکتشافی سبب منفعت عالَم حيوان نيز گردد از اين نظرگاهِ منفعت عمومی مقبول ولو ضرر خصوصی دارد جائز است زيرا تشريح آن حيوان نتايج بسيار عظيمی می بخشد مثلاًتشريح گرگی در حالت بيهوشی سبب شود که مرضی کشف ميشود که الآن هزار مليون ازآن مرض مهلک بهلاکت رسيده اند .حال اين تشريح کشفی سبب ميشود که هزاران مليون از اين هلاکت محفوظ ميمانند . اگر آفتی بر رمه گوسفندی مسلط جائز است يک گوسفند را از برای سلامت گله فدا نمود والّا آن آفت جميع آن گله را حتّی آن گوسفندِ فدائی را هلاک خواهد نمود ولکن بايد تشريح در حيوانات موذيه باشد و بدرجه ای از احتياط باشد که آن حيوان مدهوش و بی احساس باشد. حيوانات موذيه را جائز که بجهت سلامتی نفوس فدا نمود . نظر باين حکمتهای بالغه جائز است که حيوانات موذی را بجهت سلامت عالَم انسانی تشريحِ کشفی کرد. اين حيوان موذی اگر زندگانی نمايد سبب هلاکت هزار حيوان ديگر شود مثلاً اگر گرگ تشريح اکتشافی شود اين سبب محافظه هزار گوسفند است که او خواهد دريد حتّی موت اين ، سبب بقای هزار حيوان است علی الخصوص اکتشافات فنّی و طبّی ميشود که الی الابد از برای عموم انسان مفيد است وَعَلَيْکَ البَهاءُ الْاَبْهَی ". (امر و خلق، جلد 3، ص 197)

